

ابزارهای معمول شاگردی

نویسنده: دکتر منتیل. ای. نانس

لوقا در اعمال ۲: ۴۲ خلاصه‌ای از راه‌هایی ارائه می‌کند که ایمانداران کلیسای اولیه در شاگردی رشد کردند. او می‌نویسد آنها خود را به «تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها» سپردند. با توجه به لوقا، این مسیحیان خود را به چهار ابزار اساسی سپردند که توسط آنها شاگرد شدند. بیایید به این ابزارها و راه‌هایی نگاه کنیم که مسیح قیام کرده همچنان امروز هم آنها را در زندگی قوم خود به کار می‌گیرد.

نخست، لوقا به ما می‌گوید که شاگردان اولیه، خود را به «تعلیم رسولان» سپردند. باید دقت کنیم که لوقا بر می‌گزیند تا فعالیت آنان را تحت اصطلاح «سپردن» تعریف کند. به عبارت دیگر، آنها شنیدن و مطالعه‌ی حقایقی که در عیسای مسیح آشکار شد را یک اولویت ساخته بودند - بخشی معمول و کوتاه‌نیامدنی از زندگی‌شان. امروز نیز همچنان، غالب خدمتگزاران به شما خواهند گفت آنهایی که چنین می‌کنند، پربارترین و پر طراوت‌ترین زندگی مسیحی را دارند. آنانی که وفادارانه و با اشتیاقی حقیقی در تعلیم عمومی کلام خدا شرکت می‌کنند، شاگردانی هستند که شاگرد می‌سازند. وقتی کلام خدا با وفاداری، جسارت، و مسرت در قدرت روح القدس موعظه می‌شود، این شاگردان تجهیز می‌شوند تا در هر محدوده‌ی زندگی‌شان تاثیرگذارانی وفادار، جسور، و شاد برای مسیح باشند.

لوقا همچنین می‌گوید شاگردان اولیه خود را به «مشارکت» سپرده بودند. خدای تثلیث ما، خدای مشارکت ابدی است و ما که در صورت او آفریده شده‌ایم، چنین ساخته شدیم که با او و دیگران در مشارکت باشیم. زندگی ما بدون مشارکت با دیگران، ناقص است؛ به‌خصوص آنهایی که در محبت مسیح با هم سهیم هستیم. وقتی ما فعالانه یکدیگر را تشویق و دلگرم می‌کنیم، بدن مسیح از نظر روحانی، و معمولاً از نظر کمیتی، بنا می‌شود. وقتی ما با محبتی که برای یکدیگر داریم شناخته شویم، آنهایی که هنوز نچشیده‌اند و ندیده‌اند که خداوند نیکوست، معمولاً کنجکاو و مشتاق می‌شوند تا بیشتر درباره‌ی عیسی که در مرکز مشارکت ما قرار دارد بشنوند، و به فیض خدا آنها نیز خالصانه در این مشارکت سهیم شوند.

سوم، لوقا به ما می‌گوید که کلیسای اولیه خود را به «شکستن نان» سپرده بود. این مورد احتمالاً به شام خداوند اشاره می‌کند که آنها مطابق فرمان مسیح در کنار تعمید به جا می‌آوردند (نک. اعمال ۲: ۴۱). به طوری ملموس، آئین‌های تعمید و شام خداوند

محبت پذیرنده‌ی پدر، فیض فداکارانه‌ی پسر، و مشارکت حیات‌بخش روح‌القدس را به گونه‌ای که شاگردان را تجهیز و دگرگون کند انتقال می‌دهند.

آئین‌ها نیز مانند مشارکت مقدسین به ما یادآوری می‌کنند که می‌باید در کنار هم جمع شویم تا به طور فردی رشد کنیم. اگرچه ما در این زمانه با انواع کتاب‌های مسیحی و موعظه‌های اینترنتی و غیره مبارک هستیم، اما آئین‌ها هستند که ما را به جمع کلیسا می‌آورند چون جایگزینی ندارند. خدا از ملاقات قوم خود که دور هم جمع شده‌اند به شکلی خاص و از طریق انجام آئین‌ها خشنود می‌شود. حتی جان کالون، دانشمند بزرگ، مجبور شد درباره‌ی طریقی که مسیح در زمان شرکت ما با ایمان در شام خداوند با ما ملاقات می‌کند بگوید: «من به جای آنکه آن را درک کنم، تجربه‌اش می‌کنم.» خدای تثلیث از طریق آئین‌ها به شکلی خارق‌العاده و غیر قابل درک، با ما ارتباط برقرار می‌کند، ما را تغذیه می‌کند، ما را تشویق می‌کند، و ما را تجهیز می‌کند تا شاگرد باشیم. در زندگی یک شاگرد هیچ جایگزینی برای آنها وجود ندارد.

نکته‌ی آخر که به همان اندازه مهم است، لوقا به ما می‌گوید که شاگردان اولیه خود را به «دعا» سپرده بودند. به دعای جمعی به عنوان آخرین فرمان مسیح و اولین مسئولیت کلیسا اشاره شده است (نک. اعمال ۱: ۱۴). کلیسای اولیه وقتی برای پری روح، حکمت، راهنمایی، و جسارت دعا می‌کرد، قدرت دعا را از روی تجربه می‌دانست و از آن سود برده بود. همانطور که سی. اچ. اسپرجن می‌گوید: «جلسات دعا، شریان‌های کلیسای اولیه بودند. از آنجا بود که قدرت ماندگاری می‌آمد.»

احتمالاً «دعاها» در اعمال ۲: ۴۲، نماینده‌ی کلی پرستش در کلیسای اولیه است. امروز، وقتی کلیسا از طریق پسر جسم پوشیده و به یاری روح‌القدس، روی پدر را می‌طلبد، خدای تثلیث خشنود می‌شود که در ستایش قوم خود برای جلال نام خویش، ساکت گرداندن دشمنانش، و تقدیس کلیسایش ساکن شود (نک. دوم تواریخ ۲۰: ۲۲؛ مزمور ۸: ۲؛ کولسیان ۳: ۱۶).

این ابزارهای فیض شاید در چشمان دنیا ضعیف به نظر برسند، اما در چشمان خداوند و ایمانداران فهمیده، راه‌هایی هستند که از طریق آنها گناهکاران به رابطه‌ای با مسیح قیام‌کرده وارد می‌شوند و شاگردان قدرت می‌یابند تا حیاتی قدرتان داشته باشند و شاهدینی مسرور برای نجات‌دهنده‌ی خود باشند. بیایید به جای اعتماد به آخرین ابداعات، رد پای کلیسای اولیه را دنبال کنیم و از این ابزارهای معمول فیض بهره‌مند شویم. وقتی چنین کنیم، مسیح شاگردان خود را تجهیز می‌کند تا شاگرد بسازند، و ستایش او تا اقصای جهان پراکنده خواهد شد.

دکتر منتیل. ای. نانس، شبان کلیسای Ballantyne Presbyterian Church در شهر چارلُت، ایالت کارولینای شمالی است.

این مقاله در مجله [تیبل تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.